

نه گفته بودم که زیره است ! ؟

پیوسته به گذشته قسمت بیست و ششم :



محمد امین فروتن

اگر برای یک اشتباه هزار دلیل بیاورید، در واقع هزار و یک اشتباه از شما سرزده است.

ابوعلی سینا فیلسوف نامدار شرق و افغانستان

خواننده گان عزیز لابد مستحضراند و موضع این قلم را نیز که از همان سالهای نخست فاجعه در افغانستان بصورت متواتر بیان کرده ام آگاهی دارند چنانچه گفته و نوشته بودم :

« من به عنوان یک شهروند داری حقوق مدنی و دموکراتیک در باره انتخابات سال ۱۳۹۳ برای کرسی ریاست جمهوری افغانستان بر همین اصل استوار است که اگر تمامی نهاد های بین المللی ناظر بر انتخابات ریاست جمهوری افغانستان بر صحت و سقم انتخابات ریاست جمهوری مهر تائید گذارند و تمامی شهروندان واجد شرائط نیز در محلات رای دهی حضور پیداکنند این انتخابات از مشروعیت لازم برخوردار نیست و هیچگونه مشروعیت نخواهند داشت . زیرا مؤلفه های که لازمه مشروعیت و انتخاب مقام ریاست جمهوری یک کشور بویژه کشور جنگ زده ما افغانستان است به دلانیل واضح توأم با فرصت های که برای ایجاد فرآیند ملت سازی لازم بود در غرانزی از شهرت - قدرت و ثروت زمامداران جامعه افغانی منحل گردیده و ازدست مان رفته است .»

ابتداً میخوام حکایتی از آن دسته ای قاچاقبران بزرگ و زرنگی را که میخواستند در چشم پولیس بزرگراه که وظیفه بازرسی مسافران و بارها را داشتند خاک بیندازند و خود را از هرنوع جرم مبرا ثابت کنند خدمت شما عزیزان تقدیم کنم هرچند این داستان را در جایی دیگری نیز آورده ام مگر ازاینکه محتوای داستان آن مصداق عینی حوادث جاری در مملکت ما است آنرا دوباره تکرار میکنم .

میگویند دسته ای از قاچاقبران باروت که از سوی مأموران امنیتی و پولیس مجبور به توقف شده بودند وقتی پولیس در محموله های شان باروت که انتقال آن ممنوع بود کشف کردند و راجع به آن از ایشان پرسیدند که این ماده سیاه رنگ چیست ؟ سردهسته ای از باند قاچاقبران در پاسخ گفتند ؛ که قربان این " زیره " (۱) است ! وقتی پولیس این پاسخ را شنیدند دستور دادند که جهت اطمینان آنرا آتش زنند ، تا معلوم شود که زیره است یا باروت ؟ وقتی سردهسته ای از باند قاچاقبران گوگرد (۲) را در تماس با باروت آتش زد شعله های آتش چنان بلند شد که دود و شعله های آن چشم سردهسته قاچاقبران را نیز فرا گرفت ؛ اما در عین حال با صدای بلندی می گفت : قربان نه گفته بودم که زیره است ؟ چنانچه مستحضرید هرروز و هرشامی سلسله ای از افشاگری های مربوط به تقلبات انتخاباتی به غلط و یا هم صحیح در محضر مطبوعات و رسانه های داخلی و جهانی منتشر میشوند که این گونه افشاگری ها سبب میشود تا مشروعیت مشروط چندین ساله جامعه جهانی را که با عصای چوبین شبکه های تلویزیونی ، مطبوعات ، روزنامه ها یا همان « روزی نامه ها !! » ی که به انگیزه های گوناگون مگر غیر مطبوعاتی بوجود آمده اند زیر سوال جدی قرار دهد . و ثابت گردید که بالاخره باید به این واقعیت درد ناک و در عین حال لذت بخش در جامعه افغان تن داد که فرآیند ملت سازی و تمدن را به مقتضای شرائط تاریخی ، فرهنگی و اقتصادی هر جامعه بویژه سطح زندگی عمومی مردم افغانستان باید مورد مطالعه قرارداد . زیرا شرائط فرهنگی - اقتصادی و سیاسی است که مسیر تاریخی آینده جوامع بشری منجمله افغانستان را تعیین میکنند ، نه هواپیما های B52 و سائر ابزار ترویج خشونت و تروریسم ، ! البته باید با کمال احترام به عموم کاندیداهای ریاست جمهوری افغانستان بالخصوص دوکاندید ارجمندی که در دؤمین دور انتخابات نامشروع افغانستان با هم مقابله میکنند درباره آنچه که مسأله انتخابات ریاست جمهوری افغانستان بر آن تعلق میگیرد میتوان گفت که آیا برآستی هم میتوانید در عصر حاضر و در چهارچوبهای سیستم بورژوازی چند ملیتی که بصورت مافیائی سرنوشت ملت تاریخی و متمدن افغانستان را در دست گرفته است به وعده ها و شعار های که فقط ادعای معجزات پیامبرانه کمبود داشت عمل کرد و آمال و آرزوهای نسلی از مردمی را که همیشه در زیر ضربات خونین میرغضب های استبداد و فراشان خلافت تحقیر شده اند زندگی مرفه اعطا کرد ؟ من بارها بر این اصل جامعه شناسانه تأکید کرده ام و باز هم اکیداً بیان میدارم کاملاً بی معنی خواهد بود که قبل از اینکه سرشت ، هویت تاریخی ، مشخصات و ماهیت وجدان عمومی یک جامعه شناخته شوند مکتبی ، راه و روش و ایدیولوژی و احکامی برای زندگی او تعیین و بصورت ثابت و کاپی شده احکامی را برای او صادر نمود . تصویر وجودی انسان ، تعریف فلسفی و حضور او در تاریخ و جامعه همه اموری اند که قبل از صدور حکم و تعیین نقشه راه تعیین باید شوند . نباید تعجب کرد که هردو تن از همین کاندیدا ها ی محترم عزم را جزم ساخته و گروه مقابل اش را با نداشتن اجندا و نقشه راه برای حرکت آینده جامعه افغانی متهم میکنند درحالیکه هیچ کسی ندانسته و هنوز هم نه میدانند که همین آقایونی که بر داشتن برنامه عمل خود را نسبت به رقیب اش برتر می دانند ؛ چگونه خواهند توانیست دین مقدس اسلام منهای نقش عقلانیت و اجتهاد را که گفتمان حاکم بر نهاد های مذهبی در جامعه افغانی به شمار میروند با فرآیند دموکراسی و حقوق بشر پیوند زد ؟ درحالیکه هنوز نتوانسته و یا هم نخواسته اند بحران کنونی در جامعه افغانی را برسمیت بشناسند . ! و از جانب دیگر تلقی زمامداران و اپوزسیون حاکم بر سرنوشت جامعه افغانی نیز که در لجزاری از نظام کنونی سرمایه داری شبه لبرال مافیای روئیده با آبی از «خوش بینی ای مفرط !!» نسبت به نظام حاکم کنونی غسل تعمید داده شده است . هرنوع امکان نقد و نقدپذیری را از بین برده است . لهذا در پرتو چنین وضعیت تار

وتاریکی در جامعه ما آنچه باید گفت اساسی ترین و اصلی ترین قضاوت نسبت به انتخابات ریاست جمهوری است که امثال من در تعریف ماهیت پروژه انتخابات هرچند دموکراتیک می نمائیم انتخابات کنونی دارای هیچ نوع مشروعیت نه میباشند زیرا این پروژه برای تعیین یک ارباب عروسک ماندنی حتی با صلاحیت های کمتر از یک کد خدا در جامه رئیس جمهور مردم افغانستان تعیین میگردد که اصولاً باید تعیین **ارباب و کد خدا** با شیوه دیگری در چهارچوبهای تشکیلاتی و ساختاری یک جامعه صورت گیرد ، نه میتوان عملیه و فرآیند سیاسی و اجتماعی ی را همانطوری که ماده پلاستیکی را با مقداری گرم ساختن و کمی وارد ساختن فشار هرچه بخواهند مانند اشغالدان - قندانی - زیر سماواری و غیره قالب میزنند و با یک چشم بندی درست میکنند و به بازار عرضه میدارند همان طور هم برای جوامع عقب مانده استعمار زده روانشناس - فیلسوف - مؤرخ -جامعه شناس و اقتصاددان را با چندین مدرک دکتری و پروفیسوری تربیت و تولید می کنند .! وهراسم و مقامی را که برای این عروسک ها مناسب تشخیص دهند و بویژه که منافع اقتصادی شان ایجاب کنند با برپائی یک خیمه شب بازی بنام انتخابات آزاد - مشروع و دموکراتیک به قدرت میرسانند . درد ناک ترین حالت برای یک جامعه فقیر آنگاه و آنجاست که هر شهروند جامعه را در لاک و جلد خودشان چنان فرومیببرند که به بسیار زودی از مسأله کل سرنوشت اجتماع غافل می مانند و این مصیبت را امروز به چشم سر مشاهده میکنیم که چگونه فرد ، فردی از جامعه تحقیر شده افغانستان را در امتداد ۱۲ سال حاکمیت پادو های غرب یا همان راه بلدان نظام جهانی سرمایه داخل غار " افلاطونی " ساخته اند . البته فرد فردی از این جامعه ای به اسارت درآورده شده را چنان به جنگ مصنوعی و زرگری مشغول نگه داشته اند که با گشودن یک جبهه فرعی از جنگ زرگری رسالت اصلی شانرا که توجه و دقت به مسأله کل سرنوشت اجتماع است فراموش میکنند . خلاصه اینکه استعمار قدیم با مطرح ساختن مسائل فرعی در حوزه خودآگاهی انسانی مخواست روشنفکران آن روزگار را از کل سرنوشت یک جامعه محروم سازند اما در شیوه های جدید ی از استعمار که بصورت استعمار معاصر در چهار چوبه های محدود و خود جوش متجلی میشوند در جغرافیای شناخت شان ایده آل های نظام سیاسی و اجتماعی نیز در محدوده بیان فضائل وضو به طریقه شرعی - رعایت حجاب صد در صدی -یک کتاب دعا و انکار - یک باب مسجد یک حج و برپائی یک نماز و یک روزه خلاصه میشود که به گفته دانشمندی تمامی نعائیم بهشت به شمول حوریان هفتاد گانه در بهشت موعود برای شان چشم براه اند .!!!

ادامه دارد

۱: زیره نام تخمی است سیاه رنگ که اشپزان جهت معطر ساختن گوشت آن را بکار میبرند

۲: نام ماده ای است که از اسید سلفوریک ساخته شده و برای آتش دادن بکار گرفته میشود